

سُورَةُ التَّحْرِيمِ ٦٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
یا ایها النبی! لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿١﴾

از چه رو پیغمبرِ والا مقام؟! بهر خود سازی حلالی را حرام
زانچه می‌باشد روا، بی‌شک و ظن تا کنی خوشنود زنانِ خویشان
هست خدا آمرزگار و مهربان او غفور باشد همی بر بندگان
قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

﴿٢﴾

کرده تقدیر آن خدای مهربان زانچه سوگندها شکسته شد از آن
یعنی کفار به دین تا کند باطل قسم‌ها را چنین
حق تعالاست سرور و مولایتان او حکیم است و علیم بر کارتان
وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَا
أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

﴿٣﴾

یاد آرید که رسول بنمود بیان با یکی از همسران رازی نهان
لیک آن زن هیچ امانت‌دار نبود بر زنی دیگر بگفت آنچه شنود

ساخت هشیار پس پیمبر را اله
 شمه‌ای را پس رسول بر زن بگفت
 چون که زن آگه بشد زن ماجرا
 چه کسی بر تو بداده این خبر؟
 او که آگاهست و می‌باشد خبیر
 که چنین راز برملا شد از گناه
 برخی را بازگو نکرد و سر نهفت
 او پرسید این چنین زن رهنما
 در جواب گفتا که رب دادگر
 بر همه اعمال، صغیر و هم کبیر

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ



گر کنید توبه از آن افشای راز
 زانچه می‌آرد گواهی قلبتان
 گر عناد ورزید و بنمایید عدول
 جبرئیل باشد هم او را نیز مُعین
 می‌کنند یاری، او را تک‌به‌تک
 سوی خلاق جهان گردید باز
 می‌شود توبه قبول ربتان
 هست خداوند یاور و یارِ رسول
 همچنین صالح‌ترین از مؤمنین
 از فرشتگان و از خیل ملک

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَفَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُؤْمِنَاتٍ مَّوَدَّاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ
 عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا



چه بسا که جایتان در این وثاق
 حق دهد بر او زنانی نیک‌تر
 مُسَلِّم و ثابت‌قدم، از مؤمنات
 رهسپار با کردگار از فکر و ذکر
 گر شما را خود نبی آرد طلاق
 هم مطیع و مطلق، خالی ز شر
 توبه‌کار و باخضوع از هر جهات
 گر که بیوه بوده یا می‌بوده بکر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ
 شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ



ای کسانی که شدید از مؤمنان! از عقاب و هم عذاب‌های الیم
 بر حذر باشید خود و هم اهلتان از شرّ‌هایی ز آتش در جحیم
 همچنین از سنگِ خارای گران چند فرشته نیز مأمورِ عقاب
 که دهند غلظت و شدّت بر عذاب نیست عصیانی ز ایشان یا خطا
 زانچه را که امر بنموده خدا می‌کنند اجرای فرمانِ اله که سزاوارند آن اهلِ گناه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ



ای گروهِ کافران! اندر جهان پوزشی امروز نیارید در میان
 این عقوبت بر شما شد آشکار حاصل اعمالتان در روزگار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا ۚ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۖ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



اهل ایمان! ای گروهِ مؤمنان! توبه‌ی مقبولِ حق باشد چنان
 توبه باز آرید به خلاقِ جهان ای بسا، زین توبه، ذاتِ کردگار
 چون نصوح از قلب و هم روی لسان هم درآرد در بهشتِ جاودان
 از شما پوشد گناه بی‌شمار اندر آن روزی که خلاقِ جهان
 که به زیر پا بود نهرها روان نی‌دهد هرگز بدیشان خفتی
 بر رسول و هم جمیعِ مؤمنان پرتویِ ایمانشان بر پیشِ رو
 هم یقیناً نیز نبینند ذلّتی این‌چنین گویند بر ربِّ غفور
 هم به دستِ راستِ این قومِ نکو هم بیامرز تو ز ما جرم و گناه
 در کمال آور ز ما اینک تو نور که تویی قادر به هر چیزی، اله!

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُئْسَ الْمَصِيرُ

﴿٩﴾

ای رسول! با کافران بنما نبرد هم منافق سیرتان و اهل طرد
سختگیری‌ها نما اندر جدال در جهنم می‌روند روز سؤال
بد بود بر کافران این جایگاه بازگشت جملگیست سوی اله

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطَ ۖ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاهِلِينَ

﴿١٠﴾

بر مثال آورده خلاق جهان بهر کفار و همه ناباوران
همسر نوح نبی، آن رادمرد هم زن لوط نبی که گشته طرد
هر دو بودند تحت امر شوهران آن دو بنده که شدند از صالحان
لیک خیانت‌ها نمودند آن زنان هیچ نگشتند از گروه مؤمنان
آن دو پیغمبر ز بهر همسران قدرت آن را نیافتند آن چنان
که رهایی داده از قهر اله زان خطایا و فسادها و گناه
حکمی آمد از خدای ذوالجلال که نمانده بهرشان دیگر مجال
هر دو وارد گشته در قعر سقر با دگر کفار بگردند مستقر

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

﴿١١﴾

در مثل آورده ربّ مهربان بر گروه صالحان و مؤمنان
که زن فرعون، آن مرد پلید روی آورد بر خداوند فرید
گفت، یا رب! خانه ساز از بهر من در بهشت اندر جوارت، ذوالمنن!

هم زِ فرعون و زِ اعمال گناه تو رهایی بخش مرا ذاتِ اله!
 هم نجاتم ده خدا! اندر جهان از ستمکاران و قومِ ظالمان
 وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
 وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَانِينِ



هم زِ مریم نیز یادی آورید که زِ عمران دختری آمد پدید
 شرمگاه و دامنش از هر تباه پاک و پاکیزه نگه داشت از گناه
 پس دمیدیم روح خود را اندر او هم نمود تصدیقِ حق، با گفتگو
 همچنین تصدیقِ آیات و کتاب بس فروتن بود در حُسنُ الْمآبِ